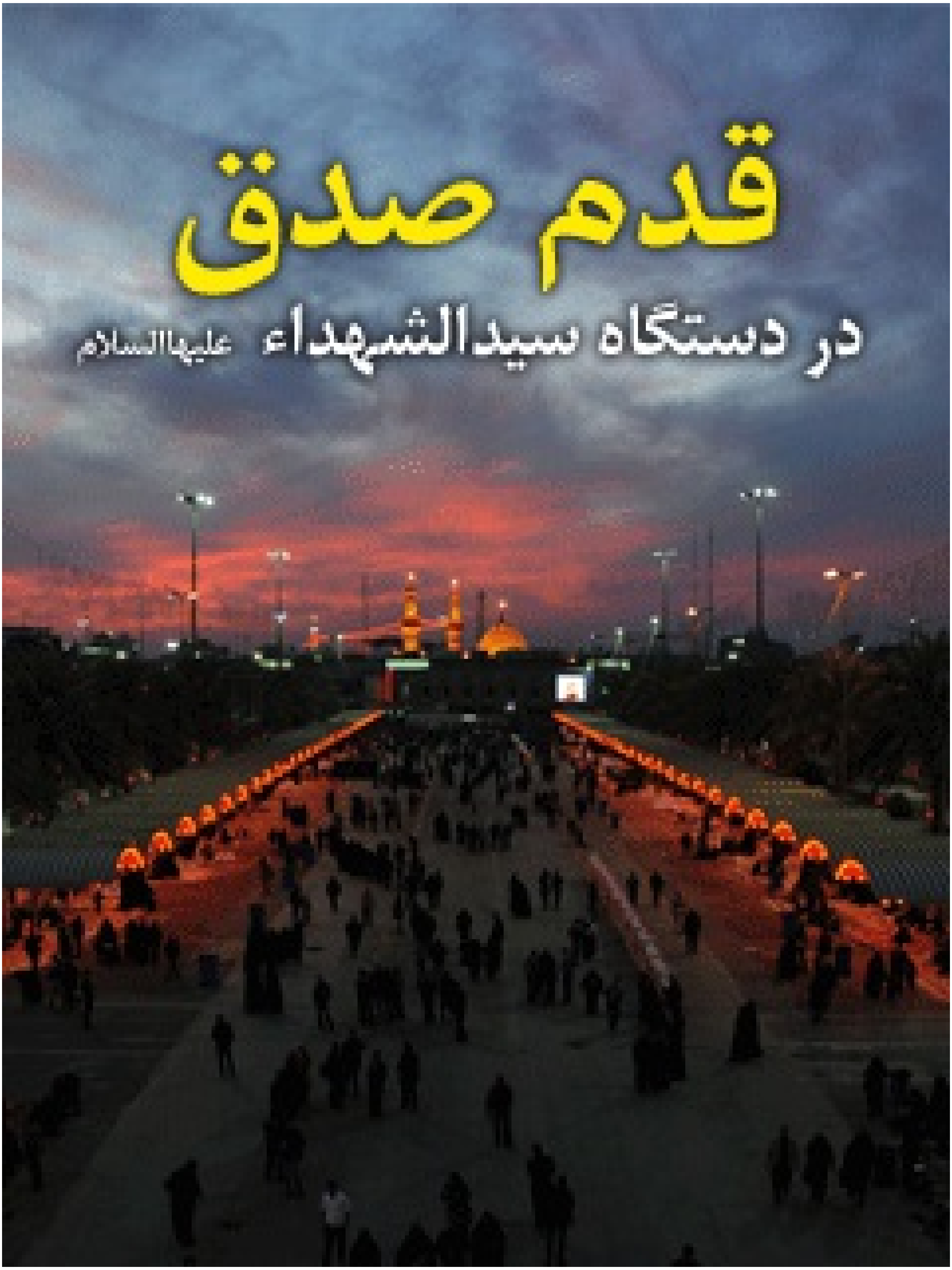

قدم صدق
در دستگاه سیدالشهداء علیها السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

قدم صدق در دستگاه سید الشهداءعلیها السلام

نویسنده:

صادق حسینی شیرازی

ناشر چاپی:

موسسه الارسول اکرم (ص)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قدم صدق در دستگاه سید الشهداءعلیها السلام

مشخصات کتاب

یادبود مرحوم مغفور سلالهٔ السادات

حاج سید حسین حسینی آفرین رحمهٔ الله علیه

یادش گرامی روحش شاد

سخنرانی حضرت آیت الله العظمی

نویسنده : حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظله

ناشر : موسسه رسول اکرم (ص)

بسم الله الرحمن الرحیم

عظم الله أجورنا وأجورکم بمصابنا بالحسین صلوات الله علیه

وجعلنا وایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الإمام المهدی صلوات الله علیه وعجل فی فرجه الشریف.

از خدای متعال می‌خواهم خدمات همه عزاداران سیدالشهداعلیها السلام را به بهترین وجه بپذیرد. ما عاشورای امسال زنده بودیم ولی معلوم نیست در عاشورای آینده چه کسی توفیق خدمتگزاری می‌یابد و چه کسی نزد مولایش می‌رود و پاداش خدمات خود را دریافت

می دارد. در سال های گذشته مرحوم اخوی آیت الله العظمی سید محمد شیرازی و نیز مرحوم اخوی زاده مرحوم آیت الله سید محمد رضا شیرازی اعلی الله درجاتهما بارها در چنین مجالسی حضور می‌یافتند ولی امروزه در میان ما نیستند. آنها و دیگر خادمان سیدالشهدا هر قدر در راه اقامه شعائر حسینی کوشش و رنج و ترس را به جان خریدند امروزه در کنار مولایشان خشنود و خرسندند.

در روایت آمده است که یکی از یاران امام صادقعلیها السلام به ایشان عرضه داشت: دلم هوای زیارت بارگاه پدرت [حضرت سیدالشهداعلیها السلام] را می کند و[لی] وقتی به زیارت می‌روم تا موقعی که باز

می گردم دلم از ترس سلطان و خبرچینان و مأموران در تب و تاب و ترسان است. حضرت به او فرمودند: آیا دوست نداری خدا ببیند که به خاطر ما ترسیده ای؟ آیا نمی‌دانی هر که برای ما بترسد خدا او را در سایه عرش خود جای می‌دهد و حسینعلیها السلام در زیر عرش هم سخنِ او خواهد بود و خدا او را از هراس های قیامت ایمن می‌دارد. مردم در آن روز دچار بیم می‌شوند ولی او باکی ندارد و اگر هراسناک شود فرشتگان او را آرام می کنند و دلش به مژده آرامش می‌یابد.

گام های راستین

در فقره آخر زیارت عاشورا که حدیث صحیح قدسی است و به واسطه معصومانعلیهم السلام از سوی خدا به دست ما رسیده آمده است: «وَأجْعَلْ لی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ،وَاَصْحابِ الْحُسَیْنِ، الَّذینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ؛ خدایا برای من نزد خود قدم صدقی با حسین و یارانش قرار ده؛ همان کسانی که خون قلبشان را فدای امام حسین کردند». و خود را جلو انداختند تا امام حسین زودتر کشته نشوند.

تعبیر «قدم صدق» در این جا شایسته تأمل فراوان است. قدم به همان معنای گام و قدم فارسی است ولی قدم راست یا قدم راستین

چه معنایی می‌توانـد داشـته باشـد؟ مگر قـدم انسان راست و دروغ دارد؟ پاسـخ این سؤال مثبت است. قـدم از این جهت مثل لسان و لسان صدق است که در قرآن از آن سخن رفته است. خدای متعال از زبان ابراهیم علیه وعلی نبینا وآله السلام می‌فرماید: «وَاجْعَل لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ؛ [پروردگارا،] برای من در میان امت های آینـده، زبان صدق و آوازه نیکی قرار ده». زبان انسان همان طور که ممکن است راست بگویـد، ممکن است گاهی به گفتار دروغ بچرخـد. به همین سان، «قدم صدق» هم داریم و بهترین شاهد آن خود قرآن کریم است که می‌فرمایـد: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُواْ أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِندَ رَبِّهِمْ؛ به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که نزد پروردگارشان قـدم صـدق [ومنزلتی راستین] دارنـد». این معنا در متون روایی و دعاها و زیارات نیز بارها آمده است؛ برای نمونه در دعای روز غـدیر می‌خوانیم: «واجعل لنا قـدم صدق مع المتقین؛ [پروردگارا] برایم به همراه پرهیزگاران قدم صدقی ثبت و ضـبط بفرما».

«قدم» در چنین مواردی کنایه از «اقدام» است. چنان که می‌دانیم همه اقدام‌ها با «قدم» و حرکت و رفتن آغاز می‌شود؛ مثلا کسـی که قصـد اقامه شـعائر حسـینی دارد از جا بر می‌خیزد، در مجلس عزای حضـرت سیدالشـهداعلیها السـلام شـرکت می کند، منبری دعوت می کند، در هیئت‌ها حضور می‌یابد، حسینیه می‌سازد، کمک و تشویق می کند و...

از آن جا که همه اقدام‌ها با «قدم» نخست آغاز می‌شود، قدم در کلام فصیح کنایه از اقدام است.

این کلمه در فقره پایـانی زیـارت عـاشورا نیز آمـده است. کسـی که زیـارت عـاشورا می‌خوانـد در پایـان زیارت و در حالت سـجده ازدرگـاه باری تعالی قـدم صـدق می‌طلبـد. و می گویـد: خـدای چنان کن که این زیارت و اقـدامِ من «راست» باشـد. مگر کسـی که زیارت عاشورا را با آن همه لعن و سلام و تعابیر والا می‌خواند و امام را با چنان تعابیر ژرفی زیارت

می کنـد، اقـدام نیکویی انجام نـداده است؟ شخصـی در چنین مقام چرا بایـد به سـجده برود و از خدا بخواهد این اقدام او را اقدامی راستین ثبت و ضبط بفرماید؟ مگر ممکن است چنین کاری «راست» نباشد؟ اساساً راست نبودن چنین اقدامی چگونه متصور است؟

در پاسخ این پرسـش‌ها باید گفت: چرا که نه. زهیر بن القین رضوان الله علیه با امام حسـینعلیها السلام به کربلا آمد. بیش از هزار تن دیگر نیز مثل زهیر بن القین با حضرت به کربلا آمدند. آنها هم همان اقدامی را انجام دادند که جناب زهیر بن القین کرد، و درست در همان راهی قـدم نهادند که زهیر نهاد. ولی قدم آنان بر خلاف قدم راستین او، «قدم کذب» بود؛ چون همه آنان شب عاشورا امام را تنهـا گذاشـتند. اگر قـدم آنـان، قـدم صـدق بود ماننـد زهیر در کنـار امـام خود می‌ماندنـد و سـعادت دنیـا و آخرت را برای خود می‌خریدند.

در این زیارت شـخص از خـدا می‌خواهـد او را از کسانی قرار ندهد که برای امام حسـینعلیها السـلام قدم های دروغین برداشـته اند. همان کسانی که کار را به پایان نرساندند و در نهایت به اشکال تراشی در عزاداری، یا مبارزه با عزاداران پرداختند. چنین کسانی هر چنـد ابتـدا در مسـیر درستی بودنـد و اقداماتی داشـتند ولی قدم‌ها و اقداماتشان دروغ بوده است. دلیل دروغ بودن اقداماتشان عاقبت آنان است. این افراد تحت شـرایط خاصـی از ادامه راه بازماندنـد و مسـیر خود را عوض کردند. اگر اقدامات آنان راستین بود، چنین نمی‌شـد و همان مسـیر صـحیح را ادامه می‌دادنـد. برخی از افراد در طول تاریـخ برای امام حسـینعلیها السـلام اقدامات به ظاهر خوبی انجام دادنـد و شـعائر حسـینی را تشویق کردنـد و در راه گسترش عزاداری قـدم برداشـتند و حتی بعضا خود نیز در اقامه عزا شـرکت می‌جستند ولی بعدها به مخالفت با عزاداران و کارشکنی در شعائر پرداختند.

برخی از افراد مسن نقل می کنند که پهلوی اول در ابتدای به دست گرفتن قدرت، عزاداری‌ها و دسـته جات را تشویق می کرد و خود شخصاً در دسته جات عزاداری شرکت می کرد. بنده شاید عکس حضور او را در دسته عزاداری عاشورا در حالی که به پیشانی خود گِل مالیـده بود در روزنامه های گذشـته دیـده باشم. اما این کار او مصداق قدم صدق نبود چون پس از سال‌ها تشویق عزاداری‌ها و مشـارکت در شـعائر، راه خود را عوض کرد و نه تنها در عزاداری‌ها شـرکت نکرد بلکه به مبارزه با شـعائر حسـینی پرداخت. او همه

انواع عزاداری را ممنوع اعلام کرد و اقامه کنندگان شعائر را مورد مؤاخذه، شکنجه و حبس قرار داد و عزاداران را در تنگنای شدیدی قرار داد.

نقل می‌کنند در آن زمان برگزاری مجالس عزاداری با محدودیت های شدیدی از سوی دولت مواجه بود و اگر مأموران دولتی از برگزاری مجلس روضه ای با خبر می‌شدند جریمه سنگینی از سخنران و صاحب مجلس می‌ستاندند و بقیه شرکت کنندگان را هم به مبالغ کم تری جریمه می‌کردند و چه بسا پروانه کسب افراد را باطل می‌کردند. از همین روست که باید از خدا بخواهیم خدمت ها، سوگواری‌ها و اقدامات ما را در نزد خود قدم راستین قرار دهد و ما را در این راه ثبات قدم بخشد.

بنده اگر زمان پهلوی اول را درست به یاد نیاورم ولی ابتدای بر سر کار آمدنِ حزب بعث را در عراق به خوبی به یاد دارم. در سال ۱۳۶۸ میلادی وقتی بعثی‌ها برای بار دوم بر عراق مسلط شدند. آنها در ابتدای کار تا یکی دو سال تمام عزاداری‌ها را آزاد گذاشتند و حتی نقل شد که برخی از مسئولان بلندپایه آنان شخصا در مراسم عزاداری شرکت

می کردند ولی بعدها یکی یکی شروع به ممانعت از عزاداری‌ها کردند و کا را به جایی رساندند که اگر کسی پیاده به زیارت حضرت سیدالشهداعلیها السلام

می رفت او را می‌کشتند و هزاران نفر را بدین شکل به قتل رساندند.

در خانه او منبر نرو!

در حدود صد سال پیش یا بیشتر در عراق خطیب توانایی به نام سید صالح حلی می‌زیست که از شاگردان مرحوم سید محمد کاظم یزدی بود و می‌گفتند مجتهد است. او خطیب نام آوری بود و در شهرهای مختلف برای سخنرانی و منبر دعوت می‌شد. از جمله یکی از تجار معروف در یکی از شهرهای عراق هر سال او را دعوت می‌کرد. یک سال آن تاجر به عادت سالانه او را برای منبر دعوت کرد ولی با کمال تعجب مشاهده کرد که سیدصالح حلی از پذیرفتن دعوت او عذرخواهی می‌کند. گفت: اگر مسئله پول در میان است من مشکلی ندارم و اگر وقت ندارید می‌توانم زمان مجلس روضه را هر ساعت از شب یا روز که وقت داشته باشید تغییر دهم. اما سید صالح هم چنان عذر خواست و هر قدر آن تاجر اصرار کرد سودی نبخشید. علت را که جویا شد، سید صالح حتی حاضر نشد دلیل نیامدنش را هم بگوید. صاحب عزا که شاید از حرف مردم هم می‌ترسید و خوف آن داشت که آبرویش برود افرادی را واسطه قرار داد تا از سید صالح بخواهند امسال هم مثل سال های گذشته در منزل آن بازاری منبر برود.

اما این کار هم فایده ای نداشت. لذا آن بازاری دست به دامان استاد او یعنی سید محمد کاظم یزدی شد و از او خواست پادرمیانی کند. مرحوم صاحب عروه، آن خطیب را خواست و گفت: شما هر سال در منزل فلان بازاری منبر می‌رفته اید ولی امسال از این کار عذر خواسته اید. عرض کرد. بله گفت: چرا؟ مرحوم سید صالح این جا هم از این که علت نرفتن را بگوید عذر خواست و گفت: شما استاد من هستید. بنده دست شما را می‌بوسم، ولی از من نخواهید علت را بگویم. چند سالی بنده در منزل ایشان خدمتگزار سیدالشهداعلیها السلام بودم، چند سال هم شخص دیگری این خدمت را انجام دهد. مرحوم صاحب عروه به او فرمودند: من به تو امر می‌کنم در خانه او روضه بخوانی. سید صالح عرض کرد: به روی چشم، ولی حال که امر فرمودید و کار به این جا رسید علت را می‌گویم. ولی دوست ندارم دیگران بدانند. بنده خودِ آقا سیدالشهداعلیها السلام را در عالم خواب دیدم که به من فرمودند: سید صالح! در خانه این شخص منبر نرو! عرضه داشتم به روی چشم، ولی اگر صلاح می‌دانید علتش را هم بیان بفرمایید. حضرت فرمودند: خدای متعال ثروت بسیاری به این شخص عنایت کرده است ولی او با من مثل گدا رفتار می‌کند [آن بازاری با این که توان مالی بسیاری داشت ولی در تهیه مایحتاج مجلس عزداری همیشه در پی اجناس ارزان بود و مثلا ارزان ترین و بی کیفیت ترین انواع برنج و روغن و ... را برای مجلس روضه خریداری می‌کرد]. مرحوم صاحب عروه با شنیدن این سخن منقلب شد و فرمود:

حال که چنین است من دستور خود را پس گرفتم. در خانه او منبر نرو.

این نکته را فراموش نکنیم که در دستگاه سیدالشهداعلیها السلام هر کس باید به اندازه توش و توان خود گام بردارد و از هر کس به اندازه توان او انتظار می‌رود. ممکن است کسی برای مجلس روضه

خانگی اش برنج نیم دانه و لاشه تهیه کند و حضرت سیدالشهداعلیها السلام همان را از او به بهترین نحو بپذیرد و ثبت فرماید؛ چرا که بیش از این مقدار از او برآورده نیست و قدرت ندارد. اصلاً ممکن است جوانی همین مقدار هم قدرت نداشته باشد و نتواند مجلس سوگواری برگزار کند ولی این توان را دارد که دیگران را به این مهم تشویق کند و از زبان و دیگر نعمت های خداداد خود در راه امام حسینعلیها السلام استفاده کند.

ضرورت تأسیس رسانه های حسینی

اما از افرادی که مکنت و توان بیشتری دارند انتظار بیشتری می‌رود. کسانی که توان خدمت بیشتر دارند باید از نعمت هایی که خدا در اختیارشان نهاده بهتر و بیشتر در راه امام حسینعلیها السلام استفاده کنند. ممکن است کسی به تنهایی یا با کمک افراد دیگر بتواند یک ماهواره ویژه به نام امام حسینعلیها السلام بزند که شب و روز به زبان های گوناگون درباره آن حضرت برنامه پخش کند. شاید کسی این توان را نداشته باشد ولی بتواند هزینه چنین کارهایی را از افراد خیر جمع آوری کند، دست به تشویق دیگران بزند، و نیروها و افراد را مدیریت کند. خدا می‌داند امروز به چه نام‌ها و تحت چه عناوینی که این جا نمی‌خواهم ذکر کنم هزاران شبکه ماهواره ای مشغول گمراه کردن مردم و دروغ پراکنی هستند و مردم را علیه اهل بیتعلیهم السلام و ضد امام حسینعلیها السلام و ضد حضرت زهراعلیها السلام شستشوی مغزی می‌دهند. چقدر شایسته است که یک شبکه ماهواره ای به نام نامی حضرت سیدالشهداعلیها السلام و به همت مؤمنان راه اندازی شود و تمام نقاط جهان را با نام و برنامه‌ها و آموزه‌ها و شعائر حسینی پوشش دهد. این کار شاید یک شبه و به دست یک تن انجام پذیر نباشد، ولی اگر مؤمنان همت کنند می‌توانیم امیدوار باشیم که إن شاءالله در سال آینده شاهد حضور دست کم یک شبکه ماهواره ای به نام امام حسینعلیها السلام باشیم. بنده این پیشنهاد را به برخی از افراد که تصور می‌کردم قدرت این کار را دارند، دادم ولی تا کنون متأسفانه شاهد این پدیده مبارک نبوده ایم. در این میان کسانی که قدرت مالی بیشتری دارند مسئولیت سنگین تری متوجه آنان است. حتی افراد ضعیف تر یا جوانانی که هیچ چیز ندارند ولی خدا به آنان زبان و بیان و همت داده است باید در این راه تلاش نمایند. مگر انبیا و مراجع تقلید چگونه عمل می‌کردند؟ آنها نیز ثروت چندانی در دست نداشتند و دیگران را با زبان تشویق به خیر

می کردند.

شعائر حسینی و فرهنگ سازی

یکی از فوائد تشکیل این شبکه ماهواره ای فرهنگ سازی در زمینه شعائر حسینی است. شعائر حسینی نیاز به تلاش فرهنگی و فرهنگ سازی دارد.

در زمان پهلوی اول در کشور ایران روز عاشورا تعطیل رسمی نبود، در آن روز ادارات باز بود و کسی که مغازه اش را می‌بست مرتکب جرم شده بود. اما امروزه علاوه بر ایران نقاطی از جهان در روز عاشورا تعطیل رسمی است که ربع جمعیت زمین را در خود جای داده است. یکی از این کشورها هند است که به گفته خودشان بیش از هشتاد درصد جمعیتِ یک میلیاردیِ این کشور بت پرست هستند و نشان هایی که روی پرچم و پول رایج آنان قرار دارد آشکارا گویای همین معناست. عده شیعیان هند کم تر از ده درصد است. یعنی کسانی که در هند امام حسینعلیها السلام را امام معصوم می‌دانند اقلیتی زیر ده درصد را تشکیل می‌دهند. ولی با

این حال بیش از پنجاه سال است که روز عاشورا در هند تعطیل رسمی است. معنی این سخن این است که در میان این جمعیت یک میلیاردی، حتی گاوپرستان و بت پرستان و ستاره پرستان هم مشمول این تعطیلی هستند و در روز عاشورا دست از کار می‌کشند.

چنین چیزی نتیجه فرهنگ سازی است و با اقدامات فرهنگی و رسانه ای است که می‌توانیم شاهد چنین اقدامات مبارکی باشیم.

اساساً امام حسینعلیها السلام فقط به شیعیان تعلق ندارد در چهار گوشه جهان بسیارند کسانی که مسلمان هستند و حتی خدا را هم معصوم

نمی دانند(!) اما امام حسینعلیها السلام را به عنوان نوه پیغمبر، امامزاده، انسان بزرگ و شخصیت والا قبول دارند. و کتاب های بسیاری درباره ایشان نوشته اند و احادیث بسیاری از ایشان نقل کرده اند.

شاید مقام امام حسینعلیها السلام در نزد این گروه چیزی در حدود مقام حضرت اباالفضل العباسعلیها السلام و حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در نزد ما باشد. به هر حال این افراد امام حسینعلیها السلام را دوست دارند. ولی با این حال مشاهده می‌کنیم که متأسفانه روز عاشورا در بسیاری از کشورهای اسلامی تعطیل رسمی نیست. چنین کاری نیازمند همت و فرهنگ سازی است. وقتی علاوه بر مجالس عاشورای شهرهای قم، تهران، مشهد، عراق و هند، سوگواری های مردم استرالیا و افریقا و امریکا و نواحی قطب و کافران هند به وسیله یک شبکه ماهواره ای به مردم دنیا نشان داده شود تأثیر بسیاری در این زمینه دارد و موجب تحول فرهنگی می‌شود.

چه بسیار کافرانی که در چهار گوشه جهان برای امام حسینعلیها السلام روضه می‌گیرند، سوگواری می‌کنند، شعر می‌سرایند و کتاب چاپ می‌کنند. کسانی که از هند آمده اند بارها گفته اند حتی شاعران کافر برای امام حسینعلیها السلام شعر می‌سرایند و دیوان شعر چاپ می‌کنند. این‌ها نتیجه فرهنگ سازی است. آیا امام حسینعلیها السلام نباید یک شبکه مستقل ماهواره ای داشته باشد؟ اگر جوانان شیعه آستین همت بالا نزنند دیگران این کار را خواهند کرد و این افتخار به نام آنان ثبت خواهد شد؛ زیرا کفار هم از آن حضرت استفاده می‌کنند و چه بسیار کلیمیان و مسیحیانی که طی تاریخ در پرتو شمس وجود سیدالشهداعلیها السلام مسلمان و شیعه شده اند.

اراده تکوینی خدای متعال و گسترش شعائر حسینی

این تصمیم تکوینی خداست که شعائر حسینی به رغم ممانعت‌ها روز به روز گسترش یابد. خدای متعال مشیت فرموده است که خورشید بتابد، ماه نور بیفشاند، و زمین جاذبه داشته باشد، ماه و خورشید چاره ای جز تابیدن ندارند و کره زمین نمی‌تواند جاذبه نداشته باشد. درست به همین سان خدای متعال مشیت فرموده است که دستگاه سیدالشهداعلیها السلام به رغم ممانعت‌ها و کارشکنی‌ها روز به روز گسترش یابد و این وعده تکوینی و قطعی خداست که هیچ کس قادر به تغییر آن نیست.

رسول خدا فرمودند: «ولیجتهدن أئمة الکفر وأشیاع الضلالة فی محوه و تطمیسه، فلا یزداد أثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً؛ هر قدر ائمه کفر و پیروان ضلالت در زدودن و از بین بردن نشانه های [کربلا] بکوشند روز به روز اثر آن پدیدارتر و نام آن بلند

آوازه تر می‌شود». حضرت در این جا فقط نفرموده اند این تلاش های نافرجام سودی ندارد بلکه فرموده اند نتیجه عکس دارد و باعث گسترش و افزایش بیش از پیش آن می‌شود. تا پنجاه سال قبل شعائر حسینی فقط در ایران و عراق و هند و نقاطی از خاورمیانه وجود داشت. اما امروزه در کنار کاخ سفید و کاخ کرملین، و مناطق نزدیک قطب به زبان های مختلف عزاداری حضرت اقامه می‌شود و روز به روز رو به گسترش است.

نکته اینجاست که زمامدارانی که مانع اقامه شعائر حسینی می‌شوند در کلام رسول خدا «ائمه کفر» نام گرفته اند. پس پهلوی اول که خود را مسلمان و شیعه می‌دانست از ائمه کفر بود. صدام نیز خود را کلیمی یا مسیحی نمی‌دانست و دم از مسلمانی می‌زد ولی طبق

فرمایش رسول خداصلی الله علیه و اله چون در پی زدودن آثار سیدالشهداعلیها السلام بود از پیشوایان کفر است، هر چند خود را مسلمان می‌نامید.

اصحاب امام حسین علیه السلام

در این فقره پر معنی از زیارت عاشورا از خدا

می خواهیم در نزد خود برایمان قدمی صدقی با امام حسینعلیها السلام و یاران امام حسینعلیها السلام منظور دارد؛ همان کسانی که خود را فدا کردند تا حضرت اندکی دیرتر به شهادت برسد خدای متعال در این فقره می‌توانست به همین بسنده کند که بگوید: «وَأجْعَلْ لی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَیْنِ» آیا همین کافی نبود؟ معلوم می‌شود از نظر خدا این کافی نیست. لذا علاوه بر امام حسینعلیها السلام، یاران فداکاراشان را هم یاد کرده و همراهی با آنان را هم لازم می‌داند. یعنی باید از خدا بخواهیم برایمان قدم صدقی با حسین و یاران حسین که درود خدا بر آنان باد مقدر فرماید.

امام حسینعلیها السلام دو دسته اصحاب داشتند: یک عده که ایشان را تنها گذاشتند و عده انگشت شمار دیگری که تا پای جان در کنار ایشان ایستادند و به فوز عظیم شهادت دست یافتند. این کار آنان به قدری مهم است که خدای متعال از آن یاد می کند و می‌فرماید: «بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ».

امام حسینعلیها السلام به اصحاب بزرگوارشان فرموده بودند که این جماعت فقط با من کار دارند و مرا

می خواهند. لذا هر یک از شما که با من بماند قطعاً کشته خواهد شد. آن رادمردان با این که یقین داشتند امام حسین کشته می‌شوند و اگر در کنار حضرت بمانند قطعاً کشته می‌شوند در رکاب ایشان ماندند و جانفشانی کردند. به واقع آنها جانشان را فدای حضرت کردند تا ایشان چند ساعتی دیرتر به شهادت برسد و دمی بیشتر بماند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم درباره به تأخیر انداختن شهادت امام حسینعلیها السلام فرموده بودند «یک قطره از خون کسانی چون اباالفضل العباس و علی اکبرعلیهما السلام از عالمی با

ارزش تر است ولی ارزش آن را دارد که ریخته شود تا شهادت امام را به تأخیر اندازد؛ چرا که یک لحظه از لحظات عمر شریف امام حسینعلیها السلام از خلقت بالاتر است».

اقدام این افراد به راستی قدم صدق بود و ما باید از خدا توفیق همراهی با آنان را بخواهیم و هیچ وقت کار پهلوی اول یا مأمون عباسی را انجام ندهیم. مأمون هم در ابتدا زیارت قبر اباعبدالله الحسینعلیها السلام را آزاد اعلام نمود ولی بعدها جلو این کار را گرفت.

اراده تکوینی خدا بر این تعلق گرفته است که نام و یاد حضرت سیدالشهداعلیها السلام به رغم همه ممانعت‌ها و کارشکنی‌ها روز به روز بلندآوازه تر شود. این مشیت الهی است و کسی نمی‌تواند مانع آن شود. مهم آن است که در این میانه ما بکوشیم در این قافله باشیم و به جمع یاران حضرت سیدالشهداعلیها السلام بپیوندیم و چنین چیزی را صادقانه از خدا بخواهیم.

مشکلات وهابی ها

یکی دیگر از فوائد ایجاد یک شبکه مستقل ماهواره ای با موضوع امام حسینعلیها السلام این است که موجب کاهش مشکلات وهابی‌ها می‌شود. بسیاری از وهابی‌ها به ویژه جوانان وهابی شستشوی مغزی شده اند و به جای آن که ندای حق و حقیقت به گوششان برسد تحت تبلیغات مسموم دشمنان اهل بیتعلیهم السلام قرار گرفته اند. لذا در صورت گفتگو و مواجهه صحیح، تسلیم حقیقت می‌شوند، هم چنان که امروزه بسیاری از جوانان وهابی به آیین زندگی بخش تشیع گراییده اند. البته این مقدار کم است و

در صورت فرهنگ سازی، آهنگ گرایش جوانان حقیقت جو به تشیع افزون تر خواهد شد.

وهابی‌ها بین صد تا دویست سال پیش چندین بار به کربلا و نجف یورش بردند و حرم های مطهر را ویران کردند. تنها در یک یورش پنج هزار را در کربلا کشتند. مگر شهر کربلا در صد و اندی سال پیش چند تن سکنه داشته است که وهابی‌ها پنج هزار تن از آنان را قتل عام کرده اند؟ کافی است به کتاب شهداء الفضیلهٔ نوشته مرحوم علامه امینی مراجعه کنید و ببینید چه عالمان بزرگواری در این جنایات به دست وهابی‌ها به شهادت رسیده اند.

وهابی‌ها چرا چنین کردند و دست به این جنایات زدند؟ آنها معتقدند گنبد و بارگاه در زمان پیغمبر نبوده و بدعت است. در حقیقت مشکل آنان یک مشکل علمی و فکری است و از بی سوادی آنان ناشی می‌شود. اما ما نباید مثل آنان بی سواد باشیم. برای روشن شدن موضوع ذکر یک مسئله علمی لازم است:

ما در مسائل علمی یک «عام» داریم و یک «خاص». وقتی پدر کسی به او بگوید: «این غذا را میان مردم تقسیم کن» و بعدها اضافه کند که «به فلانی و فلانی غذا نده» جمله اول «عام» و جمله دوم «خاص» است. در این مثال پسر باید به همه غذا بدهد جز کسانی که پدر استثنا کرده است. یعنی به اصطلاح خاص، عام را کنار می‌زند. اما گاهی عام به قدری قوی است که خاص را کنار می‌زند.

آنها در کتاب هایشان از قول رسول خداصلی الله علیه و اله آورده اند که وقتی کسی را به خاک می‌سپارید قبر او را بیش از چهار انگشت بالا نیاورید. این حدیث یک بحث علمی گسترده ای را ایجاد کرده است مبنی بر این که آیا منظور پیغمبر چهار انگشت بسته بوده است یا چهار انگشت باز؟ به عبارت دیگر آیا جایز است ارتفاع قبر را بیش از چهار انگشت بسته ولی کم تر از چهار انگشت باز بالا بیاوریم یا خیر. این مسئله در کتاب های فقهی مثل حدائق، مستند، جواهر الکلام، موسوعه الفقه و ... آمده و ما نیز مانند آنان روایاتی در این زمینه داریم. آنها

می گویند چرا قبر امام حسینعلیها السلام باید ضریح دو متری و گلدسته بیست متری داشته باشد. باید آن را هم مثل بقیع خراب کنیم و حداکثر چهار انگشت قرار دهیم و جلو بدعت شما شیعیان را بگیریم.

در پاسخ به این شبهه ساده اندیشانه وهابیان

می گوییم: خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَمَن یُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَی الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ بدارد این کار نشانه پرهیزگاری دل هاست».

خدای متعال لذا شعائرالهی را ستوده و آن را نشانه تقوای قلبی دانسته است ولی مصادیق شعائرالهی را بیان نفرموده و نگفته است شعائر الهی کدام است. درست مثل این که فرموده است با خاک تیمم کنید و با آب وضو بگیرید ولی نفرموده است خاک چیست یا آب چیست. لذا هر چیزی که اسم آن آب باشد (البته آب مطلق، نه مضاف) می‌توان با آن وضو گرفت.

در این جا هم خدا ما را به تعظیم شعائر فرمان داده است ولی نفرموده تعظیم شعائر کدام است. هر چه عرفاً شعائر باشد تعظیم آن مورد پسند خداست و این حکم عام آن قدر نیرومند است که آن مسئله چهار انگشت بالا آوردنِ قبر را کنار می‌زند. بله، بالا آوردن قبر افراد عادی و درست کردن گنبد و بارگاه برای آنان حتی اگر مؤمن باشند از شعائر نیست. ولی درست کردن گنبد و بارگاه برای امام حسینعلیها السلام شعار اسلام است. لباس مشکی بر تن کردن و سیاه پوش کردن کوی و برزن در عزای سالار شهیدان هم مشمول همین حکم است. ما روایت داریم که پوشیدن لباس مشکی مکروه است ولی این کار اگر برای امام حسینعلیها السلام باشد نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است و نماز خواندن با آن فضیلت افزون تری دارد. به عبارت دیگر اگر ما در ماه ذی الحجه با لباس مشکی نماز بخوانیم از فضیلت نمازمان می‌کاهد ولی اگر در محرم برای امام حسینعلیها السلام لباس مشکی بر تن کنیم نماز خواندن با آن فضیلت نماز را دو چندان می‌کند. علت این امر آن است که لباس مشکی شعار و نشانه عزای سیدالشهداعلیها السلام است. وقتی بیگانه ای در ایام محرم الحرام وارد شهرهای ما شود و ببیند در و دیوار را با پارچه سیاه پوشانده اند و علم های سیاه بر

در خانه‌ها آویخته انـد، و پرس و جو کند، در خواهد یافت که ما امام حسـینعلیها السـلام را تعظیم و تجلیل می کنیم. هر چیزی از این قبیل باشـد مصـداق تعظیم شـعائر و مسـتحب است و لذا نشانه تقوای قلوب می‌باشد. علت و ملاک این مسئله قوی تر از حکم چهار انگشت قبر است و آن را کنار

می نهـد. میان مشـکی پوشـیدن برای امام حسـینعلیها السـلام و قبه و بارگاه درست کردن برای ایشان هیچ فرق وجود ندارد و هر دو تعظیم شعائر و از تقوای قلوب است.

مـا هم می‌دانیم چنین گنبـد و بارگـاه هایی در زمان پیغمبر نبوده است ولی نه تنها بـدعت نیست بلکه عین دین و دیانت است. چنین سست مغزانی فکر می کنند بارگاه مقدس حضرت سیدالشهداعلیها السلام بدعت است!! آیا باید آستانِ مقدس حضرت ثامن الحجج را فقـط چهـار انگشـت بالا ـ بیـاوریم تـا بـدعت نباشـد؟! بـه راسـتی که برخی از افراد فرسـنگ‌ها از حقیقت دورنـد و نمی‌داننـد و یا نمی‌خواهند بدانند...

عده ای از این افراد به زیارت عاشورا اشکال

می کنند، اما همین اشکالی که این بی خبران ادعا می‌کنند، باید عین همان را در زیارت وارث، زیارت ناحیه، زیارت غدیریه، دعای نـدبه، عزاداری‌هـا و هزاران چیز دیگر هـم ادعـا کننـد. ولی ایـن افراد جرأت ایـن کـار را ندارنـد و یکی یکی و آرام آرام شـروع به تشکیک در باورها و متون مقدس

می کننـد. پهلوی و صـدام هم قـدم به قـدم و یکی یکی اقـدام کردنـد. زیرا معمولا هیچ کس نیست که مثل وهابی های سـبک مغز یکدفعه همه چیز را از اساس منکر شود و بدعت بخواند.

چنین اشـکالاتی را طی هزار سال هیـچ یک از علما مطرح نکرده انـد و نادانانی که این شـبهات وهابی‌ها را می‌پراکننـد باید این قدر جرأت داشته باشند که یک بار پرده از چهره خود بردارند.

من از جوانان مؤمن استدعا می‌کنم که خودشان هم اندکی در پی این مسائل باشند و در این باره مطالعه و پی جویی کنند.

از خدای متعال می‌خواهم در مسیر اهل بیتعلیهم السلام به همه ما ثبات قدم و قدم صدق عنایت فرماید.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

. این گفتار در شام غریبان حسـینی ۱۴۳۰ (۱۸دی ماه۱۳۸۷) در جمع شـمار فراوانی از دسـتجات عزاداری و سوگواران حسینی ایراد گردیده است.

پی نوشتها

. شعراء (۲۶)، آیه ۸۴.

. یونس (۱۰)، آیه ۲.

. شیـخ مفید، کتاب المزار، ص۹۴ (۴۷ باب الصـلاهْ یوم الغدیر ورعائه)؛ مصباح المتهجد، ص۷۵۰. در نسخه تهذیب عبارت یاد شده بدین گونه است: «واجعل لنا قدم صدق مع النبیین».

. یک سال پس از غصب قـدس توسط صـهیونیست ها. بعثی‌ها بر مسـلمانان منت نهادند که ما می‌خواستیم سال ۶۷ کودتا کنیم ولی چون دیدیم مسلمانان گرفتار غصب قدس هستند این کار را یک سال به تأخیر انداختیم.

. بنـده بارهـا این نکته را یـادآوری کرده ام که خـواب غیرمعصـوم حجت نیست، مگر این که بـا آیـات و روایـات یـا واقع خـارجی مطابقت داشـته باشـد. مثلاً اگر شخصـی خواب دید فلان شـخص بچه دار شد و فردای آن روز خدا فرزندی به آن شـخص داد، این خواب رؤیـای صادقه است چون با واقع خارجی مطابقت دارد. هم چنین اگر کسـی خواب دیـد سلمان در بهشت، یا شـمر در جهنم

است این رؤیای صادقه است، چون با موازین شرعی و روایات مطابق است.

. حج (۲۲)، آیه ۳۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکـاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشـگاهها، اماکن مـذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹